

تنگر

بازی باکو علیه کریدور ایران و ارمنستان

خطر زنگرور و الهام علی اف
همچنان بیخ گوش تهران

مساله کریدور زنگرور که اصلی ترین محور سیاست های ضد ایرانی در منطقه قفقاز است، همچنان یکی از مهم ترین مسائل موجود در سیاست منطقه ای ایران خواهد بود. جدا از مباحث ژئوپلیتیک، اجرایی شدن این کریدور سرآغاز اقدامات قوم گراییانه در ایران توسط دولت باکو با حمایت اسرائیل خواهد بود. نفوذ اسرائیل و انگلیس در باکو به حدی است که می توان گفت سیاست منطقه ای این حکومت توسط آنها تعیین می شود و به صورت دقیق تر می توان ادعا کرد سیاست دولت باکو در مورد ایران توسط اسرائیل طراحی و اجرایی می شود که امور اصلی آن ها برای این اقدام خانم برندا شیفر است. شیفر در راستای اهداف اسرائیل با سوء استفاده از شخصیت نفوذ پذیر علی اف تأثیرات عمیقی بر سیاست های باکو در ضدیت با ایران ایفا کرد. مهم ترین حربه خانم شیفر تحریف واقیعات تاریخی منطقه و فروش آن به علی اف و سپس تبلیغ این جعلیات از طریق پروپاگاندا ای رسانه ای برای واقعی جلوه دادن آن ها در نزد افکار عمومی بود که همچنان با حمایت حکومت باکو با شدت زیادی ادامه دارد.

روابط پیچیده و پر تنش ایران و باکو

با درک چنین موضوعاتی است که ایران تاکنون مواضع قاطعانه ای در مورد کریدور زنگرور داشته و مانع اصلی اجرایی شدن آن بوده است. به همین دلیل حکومت باکو هم واکنش های تندی در قبال ایران داشته و رسانه های دولتی آن به صورت شبانه روزی در حال حمله علیه تهران هستند و به شکل روشنی تمامیت ارضی ایران را زیر سؤال می برند. جدا از مواضع ایران، تقابل منافع انگلستان و آمریکا هم تبدیل به یک مانع در مقابل باکو شده است. خانواده علی اف با کمک شرکت نفت بریتیش پترولیوم منابع انرژی باکو را مانند یک سرمایه شخصی غارت می کنند و همین موضوع باعث شده است. دولت انگلستان در جنگ باکو با ارمنستان از باکو حمایت کند؛ اما در سمت دیگر آمریکا که ارمنستان را امتداد ارزش های آمریکایی در منطقه می داند اخیراً مواضع شفافتری در مورد حمایت از تمامیت ارضی ارمنستان اتخاذ کرده است. این مواضع آمریکا در حمایت از ارمنستان سه دلیل عمده داشت یکی به سبب غفلت روسیه از قفقاز بود که زمینه مناسبی برای حضور آمریکا فراهم کرد و این کشور ترجیح داد همه منطقه را به متحدان نزدیک خود یعنی انگلستان نسپارد. دوم هم به سبب فشار لابی قدرتمند ارمنستان در آمریکا بود که سیستم قانون گذاری و تصمیم گیری آمریکا را به حمایت از ارمنستان وادار کرد و مورد سوم هم گرایش به غرب دولت پاشینیان بوده که تلاش کرد بعد از اینکه روسیه به تعهدات امنیتی خود عمل نکرد و پیمان امنیت دسته جمعی هم عملاً این کشور را در مقابل باکو تنها گذاشت به سمت غرب کشیده شود. سنای آمریکا برای اطمینان بخشی به ارمنستان «قانون دفاعی ارمنستان ۲۰۲۳» را تصویب کرد که طی آن کمک نظامی به باکو ممنوع شده است و همین تاراضیاتی شدید دولت علیف را در پی داشته است. با این حال کارشناسان معتقدند در نهایت آمریکا و انگلیس در مورد تقسیم نفوذ خود در قفقاز به نتیجه خواهند رسید و به احتمال قوی آمریکا در بهترین حالت به دنبال احداث کریدور زنگرور با حفظ حاکمیت ارمنستان خواهد بود. اما آن چیزی که از همه مهم تر است این است که باکو و آنکارا حتی از احداث کریدور زنگرور با حفظ حاکمیت ارمنستان راضی نیستند؛ آنها اگر چه اخیراً بر حفظ تمامیت ارضی ارمنستان تأکید کرده اند؛ ولی همچنان سودای تسلط حاکمیتی بر کریدور زنگرور و در نهایت اشغال استان سیونیک در جنوب ارمنستان را در سر دارند؛ زیرا اجرایی شدن هر سناریویی به جز این اهداف چندان توسعه طلبانه آنان پیرامون جهان ترک را برآورده نخواهد کرد.

مقاومت ارمنستان در مقابل کریدور

با این حال ایران باید محکم تر از گذشته به مخالفت خود با احداث کریدور زنگرور که آشکار پروژه ای ضد ایرانی است مقابله کند؛ زیرا در صورت احداث این کریدور تمام برگ های بازی خود را در قفقاز برای همیشه از دست خواهد داد. آنچه آشکارا است رسانه های باکو و مقامات با حمایت اسرائیل و ترکیه آشکارا خط تجزیه طلبی را در ایران پی می گیرند. اخیراً خانم برندا شیفر گفته است ترکیه قصد دارد با راه اندازی خط گاز لانه نخجوان – ایغدیر و وابستگی نخجوان به گاز ایران را پایان دهد. این طرح مکمل پروژه زنگرور است که هدف آن قبل از ارمنستان ضربه زدن به ایران است. در واقع این طرح گامی برای رهایی باکو از وابستگی به ایران و باز شدن بیشتر دست کشور برای اقدامات تهاجمی برای احداث کریدور جمعی زنگرور است. هم اکنون تقریباً مشخص شده است که اظهارات اشخاصی مانند اردوغان که مدعی بودند اگر ارمنستان در مقابل احداث کریدور زنگرور مقاومت کند آن را از مسیر ایران دنبال می کنیم و بعضی مقامات باکو هم آن را تکرار کردند. صرفاً یک بازی رسانه ای برای ایجاد اختلاف در روابط ایران و ارمنستان بوده است. از نظر مقامات دولتی و پارلمانی باکو که مدام در رسانه های ایران کشور تبلیغ می شود؛ ایجاد کریدور زنگرور کلید پیروزی اقدامات تجزیه طلبانه آن ها در شمال غرب ایران خواهد بود. اساساً بدون کریدور زنگرور جهان ترک در معنای واحد جغرافیایی شکل نخواهد گرفت. رسانه های باکو تقریباً به طور روزانه علیه تمامیت ارضی ایران تبلیغ می کنند و حتی تاریخ ایران را جعل می کنند. رسانه های باکو بی محابا هم به تمامیت ارضی و هم حتی به شکل بی سابقه ای به مقامات عالی کشور حمله می کنند و چون واکنش قاطعی دریافت نکرده اند هر روز در این رفتارها تهاجمی تر می شوند. در بعضی بخش های اخبار آن ها فارغ از حقیقت تاریخی که خود روزگاری جز ایران بوده اند و هم اکنون نیز بخشی از ایران فرهنگی و تاریخی هستند. معتقدند مناطق شمال غرب ایران بخشی از باکو هستند و الحاق آن ها به باکو به عنوان یک حقیقت تاریخی روزی اتفاق خواهد افتاد. این موارد علاوه بر مواضع مقامات و نمایندگان پارلمان باکو است که روزانه در رسانه های این کشور علیه ایران و تمامیت ارضی کشور نفرت برانگی می کنند. آن ها اهانت و مداخله را به حدی رسانده اند که تصمیم مقامات کشورمان برای راه اندازی کنسولگری ارمنستان در تبریز را زیر سؤال می برند و به این بهانه به شکل بی سابقه ای علیه ایران تبلیغ می کنند.

محسن جلیلود در گفت و گو با «آرمان ملی»:

حمله آمریکا به منطقه
نمایشی استبایدن برای افناع افکار عمومی به
خاورمیانه حمله کرده استتهدیدات آمریکا همواره قیمت دلار را در
ایران افزایش داده است

«آرمان ملی» - احسان انصاری: در پی کشته شدن سه نظامی آمریکایی در حمله پهپادی روز هشتم بهمن ماه به پایگاه آمریکا در اردن آمریکا چندین نقطه در مرز عراق و سوریه را هدف حملات هوایی خود قرار داد. ارتش آمریکا مدعی شده در این حملات ۸۵ هدف از جمله پست های فرماندهی و اطلاعات، انبار های مهمات، هواپیماهای بدون سرنشین و تجهیزات لجستیکی گروه های مقاومت هدف قرار گرفته اند. این در حالی است که پنتاگون در بیانیه ای اعلام کرد «ما به دنبال جنگ یا درگیری گسترده تر با ایران نیستیم. اما به انجام هر کاری که لازم است برای پاسخگویی کسانی که به نیروهای ما حمله می کنند ادامه خواهیم داد.» وزارت دفاع آمریکا افزود: «ما شبانه روز در تلاش هستیم تا مسؤلین حمله اردن را پاسخگو بدانیم.» «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف حمله نظامی آمریکا به منطقه با دکتر محسن جلیلود تحلیلگر روابط بین الملل گفت و گو کرده که در ادامه می خوانید.

باب المندب و کانال سوئز صورت می گیرد. همچنین ۴۰ درصد تجارت اروپا هم از همین مسیر است. علاوه بر اینها بخش قابل توجهی از تجارت چین و روسیه هم از همین مسیر صورت می گیرد و به همین دلیل است که چین و روسیه قطعنامه ای که در شورای امنیت سازمان ملل خواستار توقف اقدامات انصارا... در دریای سرخ شده بود را وتو نکرده و به طور ضمنی به آمریکا و انگلیس برای انجام این حملات چراغ سبز نشان دادند.

بایدن برای افناع افکار عمومی به خاورمیانه حمله کرده است. اصل مهم در جنگ غافلگیری است. هنگامی که آمریکا از چند روز قبل اعلام می کند که قصد دارد به گروه های مقاومت حمله کند طرف مقابل متوجه می شود و شرایط را به شکلی کنترل می کند که کمترین آسیب ببیند. قرار نیست دشمن اعلام جنگ کند، اما طرف مقابل در شرایطی قرار بگیرد که در تیررس قرار داشته باشد. من معتقدم این اقدام بیشتر حالت نمایشی برای بایدن دارد. بایدن با این اقدام در مرحله نخست تلاش می کند افکار عمومی آمریکا را قانع کند تا فشار جریان های سیاسی در آمریکا نسبت به دولت کاهش پیدا کند. از سوی دیگر بایدن با این اقدام به دنبال این است که شرایط را به شکلی برای افکار عمومی جهان جلوه بدهد که پرستیژ آمریکا در جامعه جهانی حفظ شود. هر چند برخی عنوان می کنند که برخی افراد از گروه های مقاومت در این حملات کشته شده اند، اما من این حرکت را بیشتر نمایشی می دانم تا یک حرکت جدی.

در چنین شرایطی سطح تنش در منطقه بیش از آنچه تاکنون رخ داده نخواهد بود؟
چرا. این احتمال وجود دارد. آمریکا اعلام کرده که این حملات ادامه دار است. این در حالی است که پنتاگون نیز اعلام کرده که به ایران حمله سایبری کرده است. وزیر دفاع آمریکا نیز عنوان کرد این حملات به صورت مدت دار ادامه پیدا خواهد کرد. به هر حال در چنین شرایطی این احتمال وجود دارد که اتفاق یا اتفاقات پیش بینی نشده ای رخ بدهد که سطح تنش افزایش پیدا کند. در غیر این صورت من فکر نمی کنم سطح تنش از این بیشتر شود. به نظر می رسد که اقدامات آمریکایی ها برنامه ریزی شده است. یک جنبه این برنامه ریزی همین است که مشاهده می کنیم با حمله ائتلاف آمریکایی و انگلیسی به حوثی ها اخبار غزه از صفحه اول همه رسانه ها خارج شده است. به طور کلی نظام جهانی سرمایه داری نسبت به ضررهای تجاری و مالی به شدت حساس است و به مجرد اینکه کوچک ترین ضرر مالی را از روزنه ای متحمل شود تمام قوای سیاسی نظامی خود را برای بستن این روزنه به کار می گیرد. در شرایط کنونی ۱۲ درصد تجارت جهانی از طرق

در چنین شرایطی بهترین موضع ایران را نسبت به اقدامات اخیر آمریکا چه می دانید؟
به نظرم همین رویکردی که ایران در پیش گرفته صحیح است و باید همین رویه را ادامه بدهد. در شرایط کنونی ایران عنوان می کند که این گروه ها به صورت مستقل

نظام جهانی سرمایه داری نسبت به ضررهای تجاری و مالی به شدت حساس است و به مجرد اینکه کوچک ترین ضرر مالی را از روزنه ای متحمل شود تمام قوای سیاسی نظامی خود را برای بستن این روزنه به کار می گیرد. در شرایط کنونی ۱۲ درصد تجارت جهانی از طرق باب المندب و کانال سوئز صورت می گیرد. همچنین ۴۰ درصد تجارت اروپا هم از همین مسیر صورت می گیرد و به همین دلیل است که چین و روسیه قطعنامه ای که در شورای امنیت سازمان ملل خواستار توقف اقدامات انصارا... در دریای سرخ شده بود را وتو نکرده و به طور ضمنی به آمریکا و انگلیس برای انجام این حملات چراغ سبز نشان دادند

حمله آمریکا به مرزهای سوریه و عراق نمایشی است و بیشتر جنبه تأثیرگذاری روی افکار عمومی دارد تا اقدام به آغاز یک جنگ نظامی. براساس آنچه شبکه الجزیره عنوان کرده آمریکا به مکان هایی حمله کرده که خالی از سکنه بوده است. اصل مهم در جنگ غافلگیری است. هنگامی که آمریکا از چند روز قبل اعلام می کند که قصد دارد به گروه های مقاومت حمله کند طرف مقابل متوجه می شود و شرایط را به شکلی کنترل می کند که کمترین آسیب ببیند

عمل می کنند و ایران تنها از نظر معنوی از آنها حمایت می کند. این وضعیت باعث خواهد شد که در شرایط کنونی ایران از برخی مخاطرات مصون بماند. با این وجود در اظهارات مقامات آمریکا و غربی آنچه عنوان می شود حمله به نیروهای مقاومت مورد حمایت ایران وجود دارد. در چنین شرایطی ایران در حد وسط قرار گرفته است. گروه های مقاومت عنوان می کنند به صورت مستقل عمل می کنند و ایران نیز حمایت معنوی خود را از این گروه ها انکار نمی کند. با این وجود اگر آمریکا ضربه جدی بخورد احتمال درگیری با ایران وجود دارد. با این وجود فکر نمی کنم چنین اتفاقی رخ بدهد.

حمله آمریکا به منطقه از نظر روانی روی بازار ایران تأثیر گذاشته است. آیا این تأثیرگذاری به صورت کوتاه مدت است و یا در بلندمدت نیز ادامه پیدا خواهد کرد؟
در چهار دهه گذشته هر زمان آمریکا ایران را تهدید کرده قیمت دلار در ایران افزایش پیدا کرده است. به همین دلیل مردم ایران این تجربه را دارند و در صورتی که اتفاقی رخ بدهد سرمایه های خود را نگه می دارند. در چند روز گذشته ۱۶ تا ۲۰ درصد از ارزش پول ایران کاهش پیدا کرده است. در چنین شرایطی من فکر می کنم آمریکا تحریم های شدیدی علیه ایران اعمال خواهد کرد و از سوی دیگر فشارهای بیشتری به روی اقتصاد ایران وارد خواهد کرد. همین دلیل نیز بوده که لایحه بودجه سال آینده به صورت اضطراری بسته شده که نشان می دهد مادر وضعیت قابل پیش بینی قرار نداریم. مدل آمریکایی هائیز به این صورت است که زمین بازی را تغییر می دهند. به عنوان مثال در حالی که با یمن درگیر هستند به یکباره پتروشیمی ایران را تحریم می کنند. این وضعیت به شکل های مختلف در گذشته رخ داده است. نکته دیگر اینکه شرایط داخلی ایران و آمریکا نیز تغییر کرده و دو کشور با شرایط متفاوتی نسبت به سال ۲۰۱۵ مواجه هستند. نکته مهم در این زمینه این است که در چشم انداز امنیت ملی آمریکا که منتشر شده موضوعی به نام برجام مشاهده نمی شود. در این چشم انداز ایران نیز در کنار روسیه و چین جز تهدیدها و چالش هایی است که آمریکا در آینده با آنها مواجه خواهد شد. به همین دلیل آمریکا فعالیت های خود را به شکل های مختلف علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده است. در این شرایط تحریم ها به همین صورت ادامه پیدا می کند و تغییری در آن ایجاد نخواهد شد. در شرایط کنونی نشانه های مبنی بر لغو تحریم ها یا روزنه هایی که تحریم های ایران کاهش پیدا کند وجود ندارد و آنچه مشخص است این است که تحریم های ایران حداقل در کوتاه مدت لغو نخواهد شد. شاید در ماه های ابتدایی شکل گیری دولت رئیسی احتمالاتی درباره کاهش یا لغو تحریم ها وجود داشت اما در شرایط کنونی این احتمالات نیز از بین رفته و نمی توان چشم انداز روشنی نسبت به تحریم های ایران داشت.

یادداشت

دیوارهای بی حیا



مجتبی لشکرلو

کارشناس مسائل اقتصادی

یکی از آشنایان تعریف می کرد که مدت کوتاهی از سکونتشان در خانه جدیدشان نگذشته بود که متوجه شدند صدای همسایه مجاور به آسانی از دیوارها عبور کرده و در خانه آنان به گوش می رسد. همسایه آنان زوج جوانی بودند و خصوصی ترین صحبت های شان نیز به راحتی قابل شنیدن بود. نه آنکه آن زوج بی پروا بودند، بلکه دیوارهای حائل آن قدر نازک بود که توانی برای مقاومت در برابر صداهای آنان را نداشت. آنان مانده بودند که چه کنند؟ آیا به همسایه تذکر بدهند؟ چه بگویند و اصلاً چگونه بگویند؟ همکار دیگری هم قبلاً برایم از چنین مشکلی گفته بود. مساله این همکار هم شنیدن چنین صداهایی بود. نه آنکه همسایه شان آدم بی نزاکتی باشد. بسیار هم مبادی آداب بود، اما دیوارها بی حیا بودند. در نهایت آن همکارم به دلیل داشتن دو نوجوان مجبور شد محل سکونت اش را تغییر دهد. به راستی در این مساله، تقصیر از ساکنان کدام طرف دیوارهاست؟ کسی که در خانه اش تمام کارهای معمولی یک زندگی متعارف را انجام می دهد یا همسایگانی که ناخواسته صدای آنان را می شنوند؟ به نظر هیچ کدام مقصر نیستند! در کشوری که امور شخصی و خانوادگی و حریم خصوصی این قدر حرمت دارد چرا دیوارها بی حیا شده اند؟ این یکی از مشکلات زندگی ما ایرانی هاست. دیوارهای بی حیا را نمی گویم، «بی حوصلگی ایرانی» در پرداختن به طراحی جزئیات عملی را می گویم. بیشتر توضیح می دهم. ارزش ها، انتزاعی و ذهنی هستند. زندگی اما کاملاً عینی و تجربی است. مهم این نیست که شما چقدر دم از حریم شخصی، محیط زیست و قانون و توسعه دو چرخه سواری می زنید یا بخش انتزاعی - ذهنی. مهم این است که طراحی ها در دنیای واقعی به گونه ای باشد که آن ارزش ها را عملی کند (بخش عینی - تجربی). مثلاً ما در صحبت، از حریم خصوصی و امنیت دیجیتال می گوئیم، اما پوزاپه ایندنه های فروشگاهی، جایی تعبیه شده است که فروشنده محترم کارت را از ما می گیرد، از ما می پرسد رمز شما چی بود؟ و ما مجبوریم خیلی شیک و مجلسی و سخاوتمندانه رمز کارت را با همه حاضران در فروشگاه به اشتراک بگذاریم. این یعنی ارزش ها و ایده ها، هنوز پای شان در آسمان است و روی زمین نیامده است. مثلاً می گوئیم فرهنگ دو چرخه سواری را توسعه دهیم، اما در تجربه عملی وقتی به کشورهایی که دو چرخه سواری را جدی گرفته اند مراجعه می کنیم می بینیم که ده ها تغییر کوچولو داده اند مثلاً: در خیابان ها، خط کشی های جدید افزوده اند تا مشخص شود که حریم دو چرخه سواران جاست؟ بیمه دو چرخه و دو چرخه سواری را فراهم می کنند. قوانین و مقررات را به نفع دو چرخه سواران تغییر می دهند، تابلوهای راهنمایی و راهنمایی مرتبط با دو چرخه سواران را به سایر تابلوها اضافه می کنند، در تمام مکان های عمومی یک بخشی را می گذارند برای پارک کردن دو چرخه ها و از آن مهم تر قفل کردن دو چرخه ها، ایستگاه های اجاره ساعتی و روزانه دو چرخه راه اندازی می کنند. ایستگاه های شارژ دو چرخه ای برقی را نیز فراهم کرده اند، در مدارس شان آموزش دو چرخه سواری و آزمون الزامی دو چرخه سواری می گذارند و بازم تر آنکه وقتی به تقاطع می رسی و مسیر دو چرخه سواری به خیابان می رسد، لبه تریز جاده را از پی می کنند که رفت و آمد دو چرخه آسان تر شود و ده ها تغییر کوچک و جزئی و موردی دیگر انجام می دهند تا دو چرخه سواری مطلوب تر شود. آنگاه فرهنگ دو چرخه سواری خود به خود توسعه پیدا می کند. یک ضرب المثل جهانی هست که می گوید شیطان در جزئیات نهفته است. مقصود آن است که ایده های کلی مهم هستند اما برای عملی شدن باید ایده های کلان شکسته شوند به امور ریزتر و ملموس تر سپس جزء به جزء و مورد به مورد، مهندسی شوند. ده ها تغییر کوچک باید طراحی و اجرا شود تا آن تغییر بزرگ رخ دهد. دقت کنید که این ضرب المثل به معنی جزء نگری نیست. همین نوشته که پیش روی شماست ممکن است اشتباه املائی داشته باشد، یعنی یک اشتباه جزئی. این اشکالی ایجاد نمی کند. منظور آن نکات ظریف و کوچکی است که طراحی نامناسب آن، کل کار را به نابودی می کشاند نه یک اشتباه املائی معمولی. یا شعار، با فلسفه بافی (به معنای کلی گویی و نه به معنای اندیشه ورزی فلسفی) و تا تبلیغات نمی توان تغییر ایجاد کرد و توسعه یافت. توسعه، حوصله می خواهد، طراحی جزئیات و مهندسی تفصیلی می خواهد. اگر می خواهیم با فساد مبارزه کنیم، دو چرخه سواری را توسعه دهیم، محیط زیست را حفظ کنیم، قانون گرا شویم و حریم خصوصی را حفظ کنیم، باید رفت سراغ مخفیگاه شیطان یعنی جزئیات!